

## حوادث۱۹جاذبه

#### تلنگر

#### مرگ زن باردار

#### باداروی سرماخوردگی

زن باردار که دچار سرماخوردگی شده بود فکر نمی‌کرد، خوردن داروی سرماخوردگی باعث مرگ وی شود.

به گزارش جام‌جم، ساعت ۱۴ و ۳۶ دقیقه سیزدهم دی امسال یکی از ماموران کلانتری اوبور در تماس با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران او را در جریان مرگ زن ۳۶ ساله‌ای در یکی از بیمارستان‌های پایتخت قرار داد. در تحقیقات معلوم شد، این زن باردار بوده و پزشک معالج او چون این زن دچار بیماری سرماخوردگی شده بوده او را از خوردن قرص و داروی سرماخوردگی بابت بارداری‌اش منع کرده بود، اما این زن قرص خورده و همین مرگش را رقم زده بود.

#### انفجار مرگبار باك بنزین

مرد جوان که بر اثر انفجار باك بنزین خودرویش در شهر همدان دچار سوختگی شده بود در تهران فوت شد. به گزارش جام‌جم، این مرد جوان بر اثر انفجار باك بنزین خودرویش در یکی از محله‌های شهر همدان دچار سوختگی شدید شد و در یکی از بیمارستان‌های آنجا بستری بود، اما به دلیل شدت صدمات در بیمارستان ونگ تهران منتقل شد، اما با وجود تلاش پزشکان او به دلیل شدت سوختگی فوت شد.

#### قتل پیرمرد روی پل عابریپاده

مرد سالخورده که هدف ضربه‌های مرگبار چاقوی فرد ناشناسی قرار گرفته و زخمی شده بود، بعد از ۶۰روز کما تسلیم مرگ شد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ساعت ۱۳ و ۵۳ دقیقه جمعه ۱۳ دی امسال یکی از ماموران کلانتری کوی نصر در تماس با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران او را در جریان مرگ مشکوک مرد ۷۳ ساله‌ای در بیمارستانی در پایتخت قرارداد. با دستور قضایی ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران برای بررسی موضوع در بیمارستان حاضر شدند. آنها با تحقیق از مسؤولان بیمارستان متوجه شدند که این مرد از دو ماه پیش درحالی که بر اثر ضربه چاقو به ناحیه گردن و پهلویش زخمی شده بود به بیمارستان منتقل شده و در این دو ماه در کما بوده تا این‌که فوت شده است. به نظر می‌رسید مرد سالخورده به قتل رسیده باشد. در ادامه تحقیقات ماموران به گفت‌وگو با خانواده مقتول پرداختند که معلوم شد صفت حادثه مرد سالخورده برای خرید از خانه بیرون رفته و دیگر بازنگشته است. ساعاتی بعد از طریق تماس پرستاری از بیمارستان با خانواده آنها متوجه شدند که وی زخمی شده و در بیمارستان بستری است. همچنین معلوم شد زمانی که آنها به بیمارستان مراجعه کرده‌اند پی بردند که دو عابر مرد زخمی را در بالای پل عابر پیاده در حوالی محله رودکی پیدا کرده و مردی را دیده‌اند که چاقو به دست از آن سوی پل قرار کرده است.

پیرمرد بعد از ۶۰روز تسلیم مرگ شد. در این مرحله ماموران به تحقیق از شاهدان پرداختند که هر دو گفته‌های یکسانی را مطرح و مدعی شدند شب حادثه مقتول را در حال درگیری با مرد ناشناسی دیده‌اند که او با چاقو به پیرمرد ضربه زده و فرار کرده بود.

#### بازداشت عامل آتش سوزی

#### حوزه علمیه در کرج

عامل اصلی حمله به حوزه علمیه محمد شهر کرج و تخریب آنجا از سوی پلیس امنیت کرج شناسایی و بازداشت شد.

به گزارش سایت پلیس، سردار عباسعلی محمدیان، فرمانده انتظامی استان البرز گفت: بعد از اعلام افزایش قیمت بنزین و اعتراضات در ارتباط با این موضوع، گروهی از ارادل و اوپاش با سوءاستفاده از این موضوع با زدن نقاب به چهره‌هایشان اقدام به حمله به حوزه علمیه محمدشهر کرج کردند و آنجا را به آتش کشیدند. با توجه به اهمیت موضوع، دستگیری عامل اصلی این اقدام در دستور کار پلیس امنیت عمومی استان البرز قرار گرفت. تحقیقات پلیسی دراین باره ادامه داشت تا این که ماموران یکی از عوامل اصلی تخریب و آتش‌زدن حوزه علمیه محمدشهر کرج با شناسایی کردند، او تحت تعقیب پلیس قرار گرفت، خانه اش را ترک کرده و به مکان نامعلومی متواری شد. در ادامه تحقیقات بود که معلوم شد، این متهم در یکی از روستاهای اطراف شهر زنجان رفته و در آنجا پنهان شده است. اما در ادامه تحقیقات او وقتی به کرج بازگشت شناسایی و بازداشت شد.



شدند. همزمان با حضورهمسایه ها وامدادگران اورژانس به خانه آنها ، اجساد دودکوک را یافته و بعداژآن پندرومادرچوان خانواده برای درمان به بیمارستانی در تهران منتقل شدند اما آن دو با وجود تلاش پزشکان فوت کردند. اجساد این زوج با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد.

همراه دوفرنزد خردسالشان درخانه ای در یکی ازمحلّه های شهربومهن زندگی می کردندکه شب گذشته برائزنشت گازازلوله بخاری دچارمسمومیت با گازمنواکسیدکربن شده اند.

دوفرنز سی خانواده که دخترهای ۲ و ۷ ساله بودند، درخانه به دلیل گازگرفتگی فوت

#### مرگ خاموش ۴ عضو خانواده در بومهن

نشت گاز از لوله بخاری منجر به مرگ چهارعضو یک خانواده در شهربومهن شد.

به گزارش خبرنگارجنایی جام جم، ساعت ۶ و ۱۰ دقیقه صبح شنبه چهاردهم دی امسال ، گازگرفتگی در خانه‌ای در بومهن به پلیس گزارش شد.

در بررسی های اولیه مشخص شد، مرد ۳۷ ساله و همسر ۳۴ ساله اش

## مامور فداکار، ناجی دختر ۴ ساله از قتلگاه اغتشاشگران

مامور فداکار که در درگیری‌های اغتشاشات اخیر برای نجات جان يك کودک چهارساله از ناحیه دست دچار آسیب جدی شده بود، بعد از عمل جراحی دست هنوز هم بهبود کامل پیدا نکرده است.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، اواخر آبان امسال، زمانی که بعد از اعلام خبر گرانی بنزین، اعتراضات مردمی و اغتشاشات به خیابان‌ها کشیده شد؛ صدای بوق متمد ماشین‌ها و شکسته شدن شیشه‌ه چند ساعتی بود که آرامش جاده بومهن و رودهن را برهم زده بود.

لاستیک‌هایی که به آتش کشیده و وسط جاده رها می‌شد، بیش از هر چیزی در ایجاد راهبندان نقش داشت و ماموران پلیس برای برقراری نظم و امنیت از همان ساعات اولیه بعد از شروع درگیری در محل حاضر بودند و تلاش خود را برای آرام کردن منطقه و باز شدن جاده آغاز کرده بودند.

استوار یکم جابر خداپرست، یکی از مامورانی بود که با دستور فرمانده از ساعت ۱۲ برای ایجاد امنیت منطقه به محل درگیری‌ها در پردیس اعزام شد.

او در گفت‌وگو با جام‌جم درباره آن روز گفت: «گزارش درگیری‌های مردمی حدود ساعت ۱۲ ظهر به ما رسید و به محل اعزام شدیم. زمانی که به محدوده پردیس رسیدیم، جاده‌های منتهی به تهران و شهرهای شمالی بسته شده بود. عده‌ای ماشین‌هایشان را خاموش کرده و در مسیر توقف کرده بودند. چند آمبولانس هم که بیماران را از بیمارستان‌های شمال شهر به تهران منتقل می‌کردند، در ترافیک پیش‌آمده گرفتار شده بودند و نجات جان بیمارانی که در آن آمبولانس‌ها بودند یکی از مهم‌ترین دغدغه‌هایی بود که در آن لحظات داشتیم و سعی می‌کردیم با آرام کردن جو، به باز شدن راه کمک کنیم.»

درگیری هر لحظه بیشتر می‌شد و نزدیک غروب بود که حمله عده‌ای نقابدار به منطقه اوضاع را بیش از پیش بحرانی کرد: «ناآرامی‌های مردمی ادامه داشت و عده‌ای با شکستن شیشه و داد و فریاد و سر دادن شعار، سعی داشتند جو را متشنج کنند. اما نزدیک غروب بود که عده‌ای نقابدار که مشخص بود از قشر مردم عادی منطقه نیستند و بیشتر به نظر می‌رسید افراد شرور و ارادل و اوباشی باشند که با طرح و

#### مرد زندانی در جلسه محاکمه منکر اتهامش شد

## گوش بری به خاطر معرفی خواستگار



واسطه ازدواج شده بود و فکرش را نمی‌کرد همین باعث شود برادر عروس از او کینه به دل بگیرد و درصدد انتقام باشد، اما نزاع دو جوان منجر به بریده شدن گوش یکی از آنها توسط دیگری شد. متهم در دادگاه اتهام خود را انکار کرد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ۱۴ اردیبهشت سال ۹۶، رسیدگی به پرونده نزاع منجر به ضرب و جرح با شکایت پسر ۲۴ ساله به نام وحید در کلانتری پرندآغاز شد.

گوش راست وحید در درگیری بریده و ضربات شدیدی به سرش وارد شده بود. جوان مضروب در طرح شکایت خود به ماموران پلیس گفت: من نگهدار يك مجتمع مسکونی هستم و شب‌ها در يك کانکس می‌خوابم. شب حادثه برای استفاده از سرویس بهداشتی که ۴۰ متر با کانکس فاصله دارد، از آنجا بیرون آمدم. در تاریکی شب وقتی وارد دستشویی شدم، يك دغعه دو نفر از پشت سر با میله‌ای به سرم کوبیدند و بعد با چاقو به من حمله کردند و گوش راستم را بریدند. وحید در ادامه به ماموران گفت: یکی از مهاجمان فردی به نام سهراب است که از چند وقت قبل به دلیل معرفی خواستگار برای خواهرش با او درگیری داشتم. شب حادثه دوست سهراب که همراهش بود با چاقو گوشم را برید. با اطلاعاتی که وحید در اختیار ماموران قرار داد، سهراب و دوستش دستگیر شدند و اتهام خود را در تمام مراحل رسیدگی به پرونده و در دادگاه انکار کردند. در نهایت دادگاه با تشخیص لوث شدن پرونده، رای قسامه را صادر کرد و روز گذشته شاکی و چهار شاهد او در دادگاه قسم خوردند که دوست سهراب گوش وحید را بریده است.

در ابتدای جلسه رسیدگی، وحید در طرح شکایت خود گفت: چند وقت قبل یکی از دوستانم از من خواست اگر دختر خوبی می‌شناسم برای ازدواج او با معرفی کنم. خانواده سهراب از اقوام دور ما هستند و من خواهر او را معرفی کردم، اما سهراب با من تماس گرفت و گفت حق نداشتی بدون اجازه من کسی را برای ازدواج به خواهرم معرفی کنی. از همان موقع با هم درگیر شدیم و چند بار دعوا کردیم. شب حادثه او برای انتقام سراغم آمدم و دوست او گوشم را برید.

سپس دوست سهراب که يك افسر نظامی است، به عنوان متهم ردیف اول در جایگاه دفاع قرار گرفت و گفت: اتهام را قبول ندارم. من وحید را نمی‌شناسم و تا به حال يك بار هم در عمرم او را ندیده بودم و هیچ چیز از اختلاف او و سهراب نمی‌دانم.

سپس چهار شاهد وحید قسم یاد کردند که دوست سهراب گوش وحید را بریده است.

قضات دادگاه بعد از اعلام ختم جلسه دادرسی برای صدور رای وارد شور شدند.

## انکار رفیق‌کشی به خاطر پیشنهاد بی‌شرمانه

مرد جوان بعد از این‌که با پیشنهاد بی‌شرمانه دوست خود نسبت به نامزد سابقش مواجه شد، با ضربات چاقو او را از پای رآورد و به قتل اعتراف کرد. متهم روز گذشته در دادگاه کیفری يك استان تهران اتهام خود را انکار کرد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، اول بهمن ۹۶، گزارش کشف جسد مردی جوان به نام حامد که با ضربات چاقو در مغازه خیاطی‌اش از پای درآمده بود، روی میز ماموران کلانتری مشیره‌یه قرار گرفت و در ادامه ماموران بررسی صحنه جرم و بازپرس کشیک قتل پایتخت، خود را به محل حادثه رساندند.

پلیس در اولین اقدام برای یافتن ردی از قاتل تماس‌های تلفن همراه حامد را مورد بررسی قرار داد و با توجه به این‌که آخرین تماس‌های او با فردی به نام منصور بود، اقدام به شناسایی و دستگیری مظنون پرونده کردند.

منصور در اولین برخورد با ماموران به قتل اعتراف کرد و گفت: «حدود دو سال قبل با دختر مورد علاقه‌ام نامزد کرده بودم اما اختلافاتی بین ما به وجود آمد و او تصمیم به جدایی از من گرفت. من خیلی ناراحت و افسرده شده بودم و حامد از حال بد من باخبر بود. تا این‌که روز حادثه به من گفت به مغازه‌اش بروم. وقتی آنجا رفتم گفت نقشه‌ای کشیده تا از نامزد من انتقام بگیریم. بعد گفت به بهانه‌ای او را به مغازه‌ام بکشان تا دو نفری او را مورد آزار و اذیت قرار دهیم. از این پیشنهاد او به حدی ناراحت شدم که با ضربات چاقو، حامد را از پای درآوردم.»

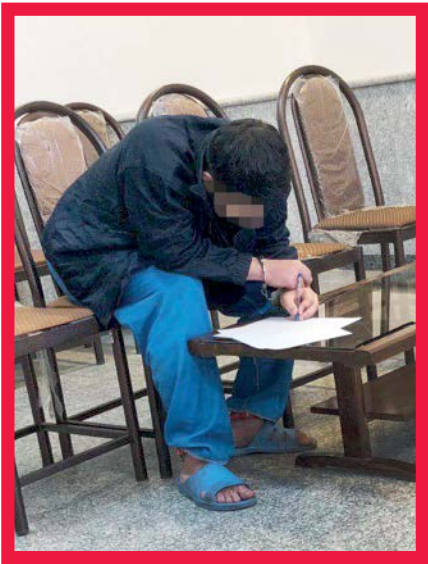
متهم بعد برخلاف اعترافات اولیه خود در بازجویی‌های بعدی اتهام خود را انکار کرد. روز گذشته محاکمه منصور در شعبه دوم دادگاه کیفری يك استان تهران برگزار شد.

در ابتدای جلسه نماینده دادستان کیفرخواست صادر شده از سوی دادسرای جنایی را مطرح کرد که مطابق آن منصور متهم به مباشرت در قتل عمدی حامد است.

سپس پدر و مادر حامد به عنوان اولیای دم پرونده تقاضای قصاص متهم را کردند و متهم برای دفاع از خود در جایگاه قرار گرفت و گفت: «اتهام خود را قبول ندارم. آن روز من با حامد به خاطر حرفی که در مورد نامزد سابقم زد، بحثم شد اما او را به قتل نرساندم. اعترافات اولیه من تحت فشار بود. اما دایی حامد بعد از دستگیری‌ام به اهالی محل گفته بود که قاتل حامد فردی به نام جمشید است که با او اختلاف حساب داشته و بعد از قتل به افغانستان گریخته است.»

قضات دادگاه بعد از شنیدن دفاعیات متهم و وکیل او برای صدور رای وارد شور شدند.

## فرار مرد معتاد با خودروی پلیس



معتاد پولدار برای فرار از دست ماموران، خودروی پلیس را درزدید و با آن مامور جوان و رهگدزی را زیر گرفت اما بعد از تصادف با یک خودروی تیبیا متوقف شد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، شامگاه دوازدهم دی ماموران کلانتری ۱۰۲ پاسداران هنگام گشتنزی، مشاهده کردند پسر ۳۶ ساله‌ای که سرنشین خودروی سواری است، در حاشیه خیابان پارک کرده و حرکت نمی‌کند و به اخطارهای پلیسی نیز بی‌توجه است. ماموران وقتی به چهره راننده نگاه کردند متوجه شدند او يك معتاد است. بنابراین گشت پلیس در نزدیکی خودروی مرد معتاد متوقف شد.

او را رپیاده کردند و بعداز بازرسی بدنی، متهم جوان به خودروی سمند پلیس منتقل شد. در همان موقع ماموران شروع به بازرسی خودروی وی کردند که همان موقع جوان معتاد پشت فرمان خودروی پلیس نشست و فرار کرد. مامور جوان به سمت او رفت تا مانع فرارش شود که موفق نشد و بعد از برخورد با خودرو مصدوم شد. مامور جوان در حالی که مصدوم بود، پیاده به تعقیب سارق معتاد ادامه داد، اما درجریان این تعقیب و گریز، متهم جوان مرد رهگدزی را زیر گرفت و مصدوم کرد. او همچنان به فرارش ادامه داد تا این‌که بعداز تعقیب و گریز ده دقیقه‌ای، متهم در تصادف با یک خودروی تیبیا آن را در هم کوبید و متوقف شد. همزمان با سر رسیدن مامور جوان سارق بازداشت شد.

متهم به نام فرهاد برای ادامه تحقیقات، میثم حسین‌پور، دادیارشعبه دوم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران منتقل شد و در جریان تحقیقات قضایی گفت: چهار سال پیش عاشق دختری شدم که در يك مهمانی شبانه با او دوست شده بودم. او به عناوین مختلف از من پول گرفت و آخر سر هم مرا به هروئین معتاد کرد. خانواده‌ام خیلی سعی کردند من ترک کنم که بی‌فایده بود. خانواده پولداری دارم و آنها هزینه زندگی‌ام را تا مین می‌کردند. به خاطر نگهداری و مصرف هروئین دستگیر شده و بعد از محاکمه به هشت ماه حبس محکوم شدم.

وی افزود: در بندی که بودم اکثر افراد معتاد و محکومانی بودند که حبس ابد و اعدامی بودند. برای این‌که آنها به من آسیبی نرسانند و مجبور نکند که لباس‌هایشان و سرویس بهداشتی را نظافت نکنم به ناچار به آنها پول می‌دادم تا دست از سرم بردارند. چندی قبل دستگیر شدم. روز حادثه با سوار شدن به خودروی اج ۳۰ کراس به پاسداران آمدم تا از فروشنده‌ای هروئین بخرم و همراه خانواده‌ام به شمال بروم اما ماموران به من مشکوک شدند و برای این‌که دوباره به زندان نروم، خودروی پلیس را درزدیدم.

برای متهم جوان قرار قانونی صادر شد و تحقیقات تکمیلی در این باره ادامه دارد.

## دام ۲ سارق برای دختر جوان در اینستاگرام

قرار شام بعد از دوستی در اینستاگرام، دختر جوان را در دام دو پسر زورگیر گرفتار کرد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ۱۲ مهر امسال زن جوانی به نام مهشید با مراجعه به کلانتری ۱۴۱ گیلستان شکایت خود را از دو مرد جوان به اتهام سرقت طرح کرد و گفت: «حدود دو هفته قبل در اینستاگرام با پسری به نام نیما آشنا شدم و او از من خواست همدیگر را از نزد يك ببینیم و برای همین قرار گذاشتیم و به يك رستوران در کن رفتیم. او با یکی از دوستانش سر قرار آمده بود. بعد از این‌که شام خوردیم و قلیان کشیدیم قرار شد من را به خانه‌مان در شهرک غرب برسانند، اما در میان راه از مسیر خارج شدند و وقتی اعتراض کردم روی من چاقو کشیدند. دو پسر جوان با خودروی پرایدشان من را به اتوبان آزادگان بردند و بعد از سرقت پول و طلا و گوشی تلفن همراهم، همان‌جا وسط اتوبان رهایم کردند.»

پرونده برای رسیدگی به پایگاه دوم پلیس آگاهی تهران ارسال شد و متهمان دستگیر شدند. سرهنگ کارآگاه محسن معظمی گودرزی، رئیس پایگاه دوم پلیس آگاهی تهران بزرگ در توضیح نحوه دستگیری متهمان گفت: «بررسی دوربین‌های مدار بسته اطراف رستوران محل قرار شاکی و متهمان، باعث شناسایی شماره پلاک خودروی سارقان و همچنین چهره آنها شد. سپس محل سکونت متهمان در غرب تهران شناسایی و آنها دستگیر شدند.»

متهمان بعد از دستگیری به اتهام خود مبنی بر سرقت اموال شاکی به ارزش ۱۲ میلیون تومان اعتراف کردند و روانه زندان شدند.